

## عنوان مقاله:

مقایسه ساختاری حکایات مشترک حدیقه سنایی و مثنوی مولوی

## محل انتشار:

فصلنامه نقد، تحلیل و زیبایی شناسی متون (قندپارسی سابق)، دوره 5، شماره 2 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

## نویسندگان:

سپیده پرتوی - دانش آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

مهدی کارگر - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

## خلاصه مقاله:

سنایی و مولوی دو تن از شاعران بزرگ ادب فارسی می باشند که آثار عرفانی سترگی در ادبیات فارسی پدید آورده اند. سنایی شاعر و عارف قرن ششم، بزرگ ترین قصیده سرای ادب فارسی می باشد که از پایه گذاران ادبیات منظوم عرفانی است و مولوی شاعر غزل سرای قرن هفتم می باشد که غزل عرفانی را به اوج کمال رساند. در پژوهش حاضر با شیوه کتابخانه ای، از طریق مطالعه کتب، مقالات و پژوهش های مرتبط، با روش تحلیل متن و با رویکرد تطبیقی، به بررسی حکایات مشترک حدیقه سنایی و مثنوی مولوی پرداخته شده است تا حکایات با مضمون مشترک و ساختار متفاوت مورد مقایسه قرار گرفته و تفاوت ها برجسته سازی شود. بنابر مطالعات صورت گرفته، کاربرد شگردهای داستان پردازی در حکایات مولوی به صورت نمایان تری جلوه گر شده است، زیرا میزان استفاده او از عناصر روساختی داستان به ویژه زاویه دید، شخصیت و گفتگو بسیار بیشتر بوده و در مقابل، عنصر زمان و مکان دارای کمترین میزان می باشد، درحالیکه این دو عنصر در حدیقه به بالاترین حد خود رسیده است. از تصرفات اصلی مولوی در مآخذ، پویا کردن شخصیت های ایستا و نیز افزودن انواع گفتگو و اضافه کردن شخصیت های گوناگون می باشد.

## کلمات کلیدی:

حکایات مشترک، حدیقه سنایی، مثنوی مولوی، مقایسه ساختاری.

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1539469>

